

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

نویسنده: فردریش انگلس (۱۸۹۴)

برگردان از: حمید محوی

۲۵ جنوری ۲۰۱۵

تأملاتی در باب تاریخ مسیحیت نخستین

۲

II

نقد انجیل در المان، که تا امروز تنها منبع علمی ما در عرصه تاریخ مسیحیت نخستین می باشد، در مجموع دو تمایل مضاعف را پیگیری کرده است. مکتب توبینگ (Tubingue) نماینده یکی از این تمایلاتی است که در عام ترین مفاهیم آن د.ف. شتراوس (D. F. Strauss) را نیز می توانیم از پیروان آن بدانیم. این مکتب در بررسی نقادانه اش خیلی از آن چه در مکاتب خدا شناسی رایج بوده فراتر رفته و بر این باور است که چهار انجیل موجود، به پیکره نوشته های شاهدان عینی تعلق نداشته بلکه حاصل باز نویسی های مابعدی از نوشته هائی است که از بین رفته، و تنها چهار بخش از نوشته های پل مقدس می باشد که با اصل آن مطابقت دارد (یا بر اساس یادداشت کاتب به عنوان اصل بازشناسی شده).

مکتب توبینگ روایات تاریخی و تمام معجزات و تناقضات را حذف کرده و این موارد را بی اعتبار اعلام کرد و از آن چه باقی مانده بود سعی کرد هر آن چه را که قابل قبول به نظر می رسد حفظ کند، و همین شیوه تحقیق روشنگر وجه مشخصه این مکتب خدا شناسی است. با پیروی از همین مکتب و به کار بستن همین روش در تحقیقی بود که ارنست رنان (۱) تا حدود زیادی با تکیه بر آن موارد بسیار زیادی را (در رابطه با تاریخ و منشأ مسیحیت) نجات داد. علاوه بر این او می خواهد شماری از روایات انجیل عهد جدید را که قویاً قابل تردید است و شماری از روایات شهیدان را به عنوان اصل معرفی کند. در هر صورت هر یک از مواردی را که مکتب توبینگ به عنوان تحریف یا واقعه ای که با تاریخ نسبتی نداشت مردود دانسته، از دیدگاه علمی نیز قاطعانه مردود اعلام شده است. تمایل بعدی تنها به برونو بائر (۲) منحصر خواهد بود. اهمیت بزرگ او به دلیل بررسی قاطعانه انجیل و نوشته های حواریون، و تفکیک عناصر یهودی و یونان- اسکندری و به همچنین عناصر یونانی و یونانی- رومی است که راه را برای جهان شمول ساختن مسیحیت هموار ساخت.

داستان مسیحیت کاملاً از یهودیت منشأ می گیرد و داستان حرکت آنها از فلسطین برای فتح جهان با تکیه به جزم اندیشی ها و اخلاقیاتشان که متوقف به خطوط کلی می باشد، از دیدگاه برونو بائر ناممکن است. از این پس، بر اساس پژوهش های برونو بائر، چنین داستانی تنها در دانشکده های خدا شناسی می تواند به عبث ادامه یابد و با

روحیه افرادی هم گام باشد که به هر قیمتی شده و حتی به بهای ندیده انگاشتن ضروریات علمی، می خواهند برای حفظ اعتقادات مذهبی میان توده ها اولویت قائل شوند.

در تشکل مسیحیت، به عنوان مذهب رسمی به شکلی که توسط کنستانتین (۳) تحقق یافت، و مکتب فیلون اسکندریه ئی (۴) و البته فلسفه عامی یونانی- رومی، افلاطونی و به طور مشخص «استوئیک» (۵) نیز هر کدام تأثیر قابل ملاحظه خود را در این رابطه بر جا گذاشتند. این بخش از موضوع دور از طرح جزئیات است، ولی تحقیقات برونو بائر به شکل بارزی نشان داده و اساس پنداره ای را پایه ریزی کرده است که مبنی بر آن : مسیحیت از بیرون، یعنی از بیرون یهودیه (جنوب سرزمین اسرائیل) بر نیامده و به جهان یونان و رومی نفوذ نکرده است، بلکه دست کم در شکلی که به عنوان مذهب جهان شمول تحول یافت، محصول خاص همین جهان (رومی و یونانی) بوده است. طبیعتاً در این بررسی، همان طور که غالباً برای تمام آنهایی که علیه پیش داوری های ریشه دار قدیمی مبارزه می کنند پیش می آید، برونو بائر نیز از هدفی که دنبال می کرد فراتر رفت. به نیت این که تأثیرات فیلون (Philon) و به ویژه سنک (Sénèque) را روی مسیحیتی که تازه تولد یافته بود نشان دهد و از دیدگاه ادبی نشان دهد که نویسندگان انجیل عهد جدید دزدان ادبی چنین فلاسفه ای بودند، به ناچار می بایستی به منصفه ظهور رسیدن مذهب جدید را نیم قرن به تأخیر می انداخت و نوشته های متناقض تاریخ نویسان رومی را مردود اعلام می کرد و علاوه بر این در خصوص تاریخ رایج، آزادی های و خیمی به خود می داد. از دیدگاه برونو بائر، مسیحیت به شکلی که می شناسیم، در عصر امپراتورهای فلاوین (۶) به منصفه ظهور رسید، ادبیات و کتاب انجیل عهد جدید نیز به عهد هادریانوس (۷)، آنتونین (Antonin) و مارک-اورل (Marc-Aurèle) باز می گردد.

به این ترتیب نزد برونو بائر تمام بخش تاریخی که در روایات انجیل عهد جدید به خود مسیح و حواریون مرتبط می شود، قابل اعتبار نیست. او چنین روایاتی را افسانه پردازی تعبیر کرده و آنها را در مراحل گسترش درونی و اختلاف در زمینه معنویات بین مجامع اولیه، به اشخاص کمابیش تخیلی نسبت می دهد. از دیدگاه برونو بائر، نه گالیله (منطقه شمال اسرائیل) و نه اورشلیم، بلکه اسکندریه و رم محل زایش مذهب جدید بوده است.

در نتیجه، اگر مکتب توبینگ بر بخشی از تاریخ و ادبیات انجیل عهد جدید مهر تأیید زده است، حداکثری را به ما عرضه داشته که در عصر حاضر، علم می تواند آن را به عنوان موضوعی قابل بررسی و موضوعی که می تواند مورد بحث و جدل قرارگیرد بازشناسی کند، در صورتی که برونو بائر حداکثری را مطرح کرده است که علم می تواند در رابطه با آن موضع انتقادی بگیرد. حقیقت بین این دو بینش واقع شده است. با این وجود باز شناسی حقیقت با امکانات امروزی مشکل برانگیز به نظر می رسد، و بی شک کشفیات جدید در رم و شرق و به خصوص در مصر خیلی گویا تر از هر بررسی نقادانه خواهد بود.

در انجیل عهد جدید تنها یک کتاب وجود دارد که با اختلاف چند ماه می توان تاریخ نگارش آن را مشخص نمود، که بین جون ۶۷ و جنوری یا اپریل ۶۸ نوشته شده است، در نتیجه، کتابی است که به نخستین دوران مسیحیت تعلق دارد و مفاهیم را با خلوص نیت و در ساده ترین اشکال و در زبانی بیان می کند که خاص همان جامعه اولیه مسیحیت است. بی شک این کتاب بهتر از هر کتاب دیگری که خیلی بعد نوشته شده، می تواند چگونگی واقعیت مسیحیت اولیه را بازنمائی کند. این کتاب مکاشفات یوحنا (رویدادهای آخر زمانی یوحنا) است، علاوه بر این همین کتابی که ظاهراً مبهم ترین کتاب انجیل قلمداد می شود، امروز به علت بررسی های آلمانی، به روشن ترین و قابل درک ترین بخش انجیل تبدیل شده است و در این جا می خواهم پیرامون همین موضوع به طرح مطالبی چند بپردازم.

تنها کافی است نگاهی به این کتاب ببندیم تا حالت هیجان آمیز نویسنده و محیط اطراف او را احساس کنیم. مکاشفات یوحنا نی که ما در اختیار داریم تنها نمونه نوعی دوران خود نیست. بلکه از سال ۱۶۴ پیش از میلاد یعنی تاریخ نخستین کتاب از این نوع که به نام دانیل (دانیال) (در کتاب عهد قدیم) می شناسیم، تا حدود ۲۵۰ پس از میلاد، تاریخ تقریبی کارمن (Carmen) اثر کمودین (Commodien)، ارنست رنان بیش از ۱۵ روایت کلاسیک از رویدادهای آخر زمانی (آپوکالیپس) نام می برد که از تاریخ گذشته بر جا مانده است، البته بی آن که از اقتباس های بعدی یاد کنیم. (من از ارنست رنان نقل قول آوردم زیرا کتاب او خارج از دایره پژوهشگران حرفه نی بیش از همه شناخته شده است.)

دورانی بود که در رم و یونان و بیشتر از همه در آسیای صغیر، در سوریه و مصر، مخلوط متنوعی از خرافات بسیار ساده لوحانه از تمام مناطق بی هیچ مانعی رواج داشت و با زاهدان ریائی و شارلاتانیسم محلی تکمیل می شد، معجزه گری، شهودات، پیشگوئی، کیمیاگری، کابالا و دیگر جادوگری های علوم غیبی از اهمیت درجه اولی برخوردار بود.

این فضائی بود که مسیحیت اولیه در بطن آن تولد یافت، و چنین محیطی متعلق به طبقه ای از مردم بود که بیش از همه برای دریافت چنین باورها و تخیلات فرا طبیعی آمادگی داشتند. عالمان غیبی مسیحیت در مصر به همان شکلی که پاپیروس های نگهداری شده در لیدن (شهر دانشگاهی جنوب هالند) نشان می دهد، در دومین قرن میلادی قویاً به کیمیاگری پرداخته و مفاهیم آن را وارد دکتترین خود ساختند. بر اساس نوشته های تاسیت (۸) ریاضی دانان کلدی و یهودی دو بار در عهد کلود (۹) و ویتلیوس (۱۰) به دلیل جادوگری از رم رانده شدند، که هیچ هنری به جز هنر هندسه نداشتند یعنی همانی که در بطن شهودات یوحنا نیز مشاهده می کنیم. علاوه بر این تمام شاهدان آخر زمانی حق گول زدن خواننده ها را برای خود مجاز می دانستند. به طور کلی، این نوع شهودات آخر زمانی، عموماً توسط فرد دیگری نوشته شده، یعنی نوشته خود نویسنده اصلی نیست، حتی بین مدرن ترین ها، به عنوان مثال کتاب دانیال، کتاب هوش (۱۱)، شهودات آخر زمانی اسدرا (۱۲)، باروش (Baruch)، یهودا (Jude) و غیره، کتاب های سبیلین (sibyllin) کتاب هائی که پیشگوئی های سبیل در آن نوشته شده است. سبیل پیر زن پیشگوئی بوده که در عهد قدیم زندگی می کرده است)، بلکه در این کتاب ها واقعاً پیشگوئی در کار نبوده و در حد وقایعی نوشته شده که مدتها پیش به وقوع پیوسته و برای نویسنده واقعی کاملاً شناخته شده بوده است.

به این ترتیب به سال ۱۶۴ پیش از میلاد، کمی پیش از مرگ آنتیوخوس چهارم (۱۳)، نویسنده کتاب دانیل (کتاب عهد قدیم) از زبان دانیل، که گوئی در زمان حیاتش، در عهد بخت النصر (نابوکودونوزور پادشاه بابل ۱۱۳۷ پیش از میلاد)، چنین نوشته است، ظهور و سقوط ایران و مقدونیه و آغاز امپراتوری رم را پیشگوئی می کند (یعنی گوئی که دانیل پیشگوئی می کند)، این پیشگوئی ساختگی را به هدف آماده کردن ذهن خوانندگان برای پذیرش نبوغ پیغمبرانه و پیشگوئی نهائی مطرح کرده اند، برای این که بگویند که قوم اسرائیل سرانجام بر سختی ها چیره خواهند شد و پیروزی نهائی از آن آنان است. بر این اساس اگر شهودات یوحنا واقعاً نوشته خود او بوده، در ادبیات نوع آخر زمانی تنها استثناء به حساب می آمد. یوحنائی که خودش را به عنوان نویسنده معرفی می کند، در هر صورت بین مسیحیان آسیای صغیر فرد خیلی معتبر و قابل احترامی بوده و لحن نامه های او به هفت انجمن، این موضوع را تأیید می کند. در نتیجه ممکن است که نویسنده خود یوحنا باشد که البته از دیدگاه تاریخی وجود او کاملاً روشن نیست ولی با این حال مقرون به حقیقت است. ولی اگر او واقعاً نویسنده شهودات آخر زمانی باشد، در این صورت خیلی بهتر نظریه ما را تأیید می کند. به این معنا که چنین کتابی معرف مسیحیت واقعی و اولیه است. با این

وجود ثابت شده است که «شهودات یوحنا» به شیوه نگارشی که در سه نامه دیگری که به یوحنا نسبت می دهند نوشته نشده است.

شهودات آخر زمان عبارت است از تعدادی صحنه وحی آمیز. در نخستین شهودات، مسیح در لباس کشیش بزرگی ظاهر می شود و بین هفت شمع دانی طلا که نماد هفت انجمن مسیحی آسیائی است قدم می زند و نامه هائی را به یوحنا و به نیت هفت فرشته این گروه های مسیحی دیکته می گوید. از همان آغاز شکافی بین این مسیحیت و مسیحیتی که به عنوان مذهب جهان شمول توسط کنستانتین از طریق شورای کلیسا (شورای نیقیه) تعیین شده بود ایجاد گردید. تثلیث (پسر، پدر، روح القدس) نه تنها با شناسایی نشده، بلکه ناممکن به نظر می رسد. در اشعیا (کتاب اشعیا در کتاب عهد قدیم) سوره ۱۱ آیت ۲، به جای روح القدس یگانه و مابعدی، ما با هفت روح آسمانی به شکلی که کشیش های یهودی تفسیر کرده اند مواجه می شویم. مسیح پسر خدا، اولین و آخرین، آلفا و امگا، بوده ولی به هیچ عنوان خدا یا معادل با خدا نیست، او « اصل و اساس آفرینش پروردگار است» در نتیجه او از خدا برآمده و در تمام اعصار وجود دارد، ولی همانند هفت روحی که در بالا اشاره کردیم تحت اراده خدا قرار دارد. در فصل ۱۵ شماره ۳ (در کتاب شهودات یوحنا)، «شهداء در آسمان سرود موسی خدمتگذار خدا و سرود گوسپند را می خوانند. برای بزرگداشت خدا. مسیح در اورشلیم به صلیب کشیده شد (فصل ۱۱ شماره ۸)، ولی به زندگی بازگشت (فصل ۱، شماره ۵ و ۸) او گوسپندی است که با خون خود گناهان جهان و مؤمنان تمام مردمان در تمام زبان های جهان را نزد خداوند باز خرید کرد.» و این همان مفهوم بنیادی است که به مسیحیت اجازه داد تا به عنوان مذهبی جهان شمول گسترش یابد. مفهومی که حاکی از خشم خدایان علیه عمل گناه آمیز انسان بوده و با اعطای قربانی آمرزیده می شود (اصطلاح راز آمیز بر اساس یادداشت کاتب)، در تمام مذاهب سامی و اروپائی به یکسان وجود داشته و همین عنصر مشترک در نخستین مفهوم بنیادی و انقلابی مسیحیت (که از مکتب فیلون (۴) به عاریت گرفته شده) مشاهده می شود، یعنی شهادت طلبی یک میانجیگر برای آمرزیدن تمام گناهان تمام بشریت در تمام قرون و اعصار برای مؤمنان وفادار. به این تربیت ضرورت هر گونه قربانی در آینده ملغا گردید و در عین حال به حذف شماری از رسوم مذهبی انجامید. در نتیجه از بین بردن رسوم که تجارت با مردمان دیگر با اعتقادات متفاوت را مخدوش و یا ممنوع می ساخت یکی از شرایط ضروری برای مذهب جهان شمول بود. با این وجود، رسوم مرتبط به قربانی به اندازه ای در فرهنگ مردم ریشه دوانده بود که کاتولیسیم علاوه بر حفظ رسوم بت پرستی (پاگانیسم) آن را در اشکال نمادینه در مراسم کلیسائی منطبق ساخت و باز سازی کرد. ولی به عکس، در کتاب مقدس هیچ نشانی از گناه اولیه مشاهده نمی شود.

آن چه به وجه مشخصه این نامه های پیغمبرانه و به همین ترتیب تمام کتاب مرتبط می باشد، در این نکته نهفته است که هرگز و در هیچ کجا به فکر نویسنده خطور نمی کند که خود و هم مسلکانش را به شکل دیگری مگر به عنوان یهودی معرفی کند. او متعصبین از میر (۱۴) و فیلادلفی (۱۵) را به باد انتقاد می گیرد: «آنها خود را یهودی می نامند ولی یهودی نیستند و به کنیسه ابلیس تعلق دارند» و به آنهائی که در پرگامون (۱۶) بودند می گوید: «آنها از دکترین بالام (۱۷) پی روی می کنند که فرزندان اسرائیل را سرزنش کرده و خوردن چیزهائی را که برای بت ها قربانی می کردند و زنا کردن را تشویق می کرد.»

در نتیجه در این جا ما با مسیحیان آگاه سر و کار نداریم، بلکه با افرادی سروکار داریم که خود را یهودی معرفی می کنند، که بی گمان مرحله تازه ای از گسترش یهودیان قدیمی بوده و به همین علت نیز تنها مسیحیت حقیقی است. به همین علت، هنگام ظهور قدیسین در بارگاه پروردگار، نخست ۱۴۴۰۰۰ یهودی، ۱۲۰۰۰ از هر قبیله و تنها

بعداً خیل بی شمار بت پرستانی که به یهودیت نوین گرویده اند حضور پیدا می کنند. نویسندگان در سال ۶۹ میلادی تردیدی نداشته است که مرحله کاملاً نوینی از تحول مذهبی را نمایندگی می کند که متعاقباً به یکی از انقلابی ترین عناصر تاریخ روح بشریت تبدیل می شود.

به این ترتیب می بینیم مسیحیتی که هنوز از موقعیت خود بی خبر و ناخودآگاه به نظر می رسد در این دوران هزاران کیلومتر از مذهب جهان شمول به دور بوده و به دلیل جزم اندیشی شورای نیقیه متوقف گردیده است. نه جزم اندیشی و نه اخلاق با یک دیگر تلاقی نمی کند، ولی به عکس این احساس وجود دارد که علیه تمام جهان در حال مبارزه هستند و پیروز خواهند شد، یعنی مبارزه جوئی سر سخنان و اطمینان به پیروزی که نزد مسیحیان امروز دیگر به هیچ عنوان مشاهده نمی شود و چنین تمایلاتی را تنها در قطب دیگر جامعه یعنی نزد سوسیالیست ها می توانیم مشاهده کنیم.

در واقع، مبارزه علیه قدرت حاکم، و مبارزه بین نوآوران، نقطه مشترک مسیحیت اولیه و سوسیالیست بوده است. این دو جنبش عظیم از رهبران و پیغمبران تشکیل نشده، گرچه هیچ یک از وجود پیغمبران و رهبران کم نمی آورند، ولی پایه و اساس آنها را جنبش توده ئی تشکیل می دهد. و هر جنبش توده ئی در آغاز ضرورتاً مغشوش و به هم ریخته بوده و اغتشاش اولیه به این علت است که هر جریان فکری توده ئی در آغاز در تضاد غوطه می خورد و در فقدان صراحت و یک پارچگی تحول می یابد و علاوه بر این، علت به هم ریختگی ها مشخصاً به نقشی باز می گردد که پیغمبران در آغاز به عهده داشته اند.

چنین اغتشاشی غالباً خود را در به وجود آوردن اشکال گوناگون فرقه های مذهبی نشان می دهد، و این گروه ها با همان سرسختی به مصاف یک دیگر می روند که با دشمنان مشترکشان در خارج از دوایر مسیحیت. آغاز پیدایش مسیحیت با آغاز جنبش سوسیالیستی قابل تشبیه است زیرا هر چند برای آنهایی که با خلوص نیت شعار اتحاد می دادند ناگوار به نظر می رسید، ولی عملاً اتحاد آنها ممکن نبود.

آیا به عنوان مثال انترناسیول براساس تفکری جزمی و یگانه تشکل یافته بود؟ به هیچ وجه. جریان های کمونیستی بر اساس سنت فرانسه پیش از ۱۸۴۸ با نظریات متفاوت شکل گرفته بود، کمونیست های مکتب ویتلینگ Weitling، و گروه های دیگری که به جریان پرودن (Proudhon) که در فرانسه و بلجیم اکثریت را تشکیل می دادند، بلانکیست ها (Blanquiste)، حزب کارگر المان، و سرانجام آنارشیست های طرفدار باکونین که در مرحله خاصی سردمدار شده بودند. البته این جریان هائی که نام بردیم تنها معرف گروه های اصلی بودند.

از تاریخ بنیانگذاری انترناسیونال، برای جدائی قطعی و عمومی از آنارشیست ها و دستیابی به حداقل توافقات در مورد دیدگاه های اقتصادی در کلی ترین وجوه آن یک ربع قرن به طول انجامید. چنین وضعیتی را باید در چشم انداز امکانات اطلاعاتی، راه آهن، تلگراف، شهرهای صنعتی غول پیکر، روزنامه و گردهم آئی های توده ئی سازمان یافته در نظر بگیریم.

همین انشعابات و فرقه های متعدد، انشعابی که مشخصاً می بایستی وسیله ای باشد برای هدایت مذاکرات در راستای تحقق اتحاد مابعدی مسیحیان. پیش از این در بررسی این کتاب (شهودات یوحنا) که به قطع یقین قدیمی ترین کتاب مسیحیت است مشاهده کردیم، نویسندگان با همان سرسختی که علیه دنیای گناه کاران و کافران پرخاشگری می کند، به چنین انشعاباتی نیز حمله می برد.

پیش از همه فرقه نیکلانیست های (۱۸) مستقر در افسس Ephèse و در پرگامون Pergame هستند که خود را یهودی می دانند ولی به کنیسه شیطان تعلق دارند که در از میر و فیلادلفی از دکتترین پیغمبران دروغین همانند بالام

Balaam در پرگامون و دکترین آنهایی که در افسس داعیه پیغمبری دارند، پیروی می کنند. در شهودات یوحنا، به عنوان مثال، از پیروان پیغمبران دروغین به نام جزابل (۱۹) یاد شده است. درباره این فرقه ها مطلب مشخصی در اختیار نداریم، تنها می دانیم که جانشینان و پیروان بالام و جزابل گوشت قربانی حرام می خوردند و زنا می کردند. این پنج فرقه را به عنوان مسیحیان طرفدار پل مقدس (Saint Paul) معرفی کرده اند، و این طور به نظر می رسد که تمام این فصول کتاب علیه پل، مبلغ مذهبی دروغین، بالام و نیکلا نوشته شده است. در این باره دلیل و برهان هائی که چندان هم دارای اعتبار نیست در کتاب «پل مقدس» نوشته ارنست رنان که به تاریخ ۱۸۶۹ در پاریس منتشر شده، در صفحات ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۶۷ تا ۳۷۰ مطرح گردیده است. تمام این تحلیل ها نامه های رسولان را از طریق «اعمال رسولان» توضیح می دهد (که یکی از فصول انجیل عهد جدید است) به انضمام نامه هائی که نامه های پل نامیده می شود، این نوشته ها در انتشار فعلی آن ۶۰ سال بعد از انقلاب نوشته شده که مطالب مرتبط به انقلاب خیلی قابل تردید بوده و از تناقض گوئی انباشته است. ولی آنچه که مسأله را روشن می سازد این است که به ذهن نویسنده خطور نمی کند که برای تنها یک فرقه پنج نام مختلف بنویسد، دو فرقه برای شهر افسس نام می برد (رسول دروغین . نیکلائیت ها) و دو فرقه دیگر برای پرگامون (بالامیت ها و نیکلائیت ها)، و آنها را کاملاً به عنوان دو فرقه مختلف تلقی می کند. با این وجود، نمی بینیم که نویسنده عناصر مشترک آنها را نفی کند، که امروز به نام فرقه های پل می شناسیم.

در دو بخش از اشاراتی که به خصوصیات این فرقه ها مربوط می شود، اتهامات محدود است به مصرف گوشت قربانی (حرام) و زنا، یعنی دو موضوعی که بهانه دائمی منازعات یهودیان و یهودیان مسیحی با بت پرستانی بود که تازه به دین گرویده بودند. گوشتی که از قربانگاه بت پرستان عرضه می شد نه تنها در جشن ها به مصرف می رسید یعنی در مراسمی که امتناع از خوردن آن می توانست بی نزاکتی تلقی شود و حتی خطرناک باشد، بلکه در بازار عمومی نیز به فروش می رسید و تشخیص آن از گوشت ذبح شده و حلال ممکن نبود. زنا از دیدگاه یهودیان نه تنها به تجارت جنسی اتلاق می شد بلکه ازدواج های خارج از دایره قبیله و با غیر یهودیان و بت پرستان را نیز در بر می گرفت، این موضوع در کتاب «اعمال رسولان» در انجیل عهد جدید مطرح گردیده است (فصل ۱۵، شماره ۲۰ و ۲۹).

ولی یوحنا نسبت به طرز تلقی تجارت جنسی مجاز نزد یهودیان ارتدکس نگرش خاص به خودش را دارد. در فصل ۱۵ شماره ۴ (شهودات) در مورد ۱۴۴۰۰۰ یهودی آسمانی می گوید: «آنها به زنان ملوث نشده اند، و باکره هستند.» (۲۰). به این ترتیب در آسمانی که یوحنا ترسیم می کند زن وجود ندارد. با این وصف چنین نگرشی در خصوص گناه آمیز انگاردن تجارت جنسی را به طور کلی در دیگر نوشته های مسیحیت اولیه نیز مشاهده می کنیم. علاوه براین، او رم را فاحشه خانه بزرگی می نامد که پادشاهان زمین با آن زنا کرده و با شراب فاحشگی اش ساکنین زمین را سر مست ساخته اند، و زنا فروشان نیز ثروتمند گشته و در تجمل زندگی می کنند. برخی قطعات در انجیل عهد جدید به روشنی حاکی از پدیده همسانی است که در تمام دوران های گذار وجود داشته و پیوسته همراه با اغتشاشات عمیق بوده، به این معنا که در عین حال که قوانین تازه مواعی ایجاد می کند، در کنار آن به بهانه های گوناگون سنت تجارت زنا نیز ادامه می یابد. در نخستین قرون مسیحیت، در مجاورت ریاضت کشی هائی که جسم را نفی می کند، غالباً تمایلاتی برای آزادی روابط بین زنان و مردان مسیحی دیده می شود. همین موضوع کمابیش برای جنبش سوسیالیستی مدرن روی داد.

یادداشت های این قسمت:

Joseph Ernest Renan (۱)

ارنست رنان. ۲۸ فیروری ۱۸۲۳ - ۲ اکتوبر ۱۸۹۲ نویسنده، فیلسوف، تاریخ شناس فرانسوی. او بخش مهمی از زندگی اش را صرف تحقیق در زمینه مذهب کرد، «تاریخ منشأ مسیحیت» ۱۸۶۳-۱۸۸۱ در هفت جلد، و «زندگی مسیح» در سال ۱۸۶۳ از جمله آثار او می باشد

Bruno Bauer (۲)

برونو بائر. ۶ سپتمبر ۱۸۰۹ - ۱۸۸۲ خدا شناس، فیلسوف و تاریخ شناس المانی. او شاگرد هگل نیز بوده است.

Constantin (۳)

۲۷ فیروری ۲۷۲ در منطقه ای از سیبری به دنیا می آید و در ۳۰۶ به عنوان سی و چهارمین امپراتور رم نامیده می شود. او یکی از شخصیت های برجسته قرن چهارم میلادی است.

Philon d'Alexandrie (۴)

۲۰ پیش از میلاد مسیح در اسکندریه به دنیا آمد و ۴۰ بعد از میلاد مسیح چشم از جهان فرو بست، او فیلسوف یهودی بود

(stoïcisme)stoïque (۵)

استوئیسیسم، مکتب فلسفی در یونان باستان که توسط زنون (اهل سیتیوم) در ۳۰۱ پیش از میلاد مسیح بنیانگذاری شد. این فلسفه تأملات درونی را در هماهنگی با طبیعت و خرد تشویق می کند و هدف آن پارسائی و خوشبختی است، و در طول تاریخ تحولات متنوعی به خود دیده است.

Flaviens (۶)

فلاوین ها سلسله ای از امپراتورهای رمی بودند که بین سال ۶۹ تا ۹۶ میلادی بر امپراتوری رم فرمانروائی می کردند. فلاوین ها طی نخستین جنگ داخلی از آغاز فرمانروائی آگوستوس که به سال چهار امپراتور شهرت دارد، به سال ۶۹ به قدرت رسیدند (وسپاسین ۶۹-۷۹، تیتوس ۷۹-۸۱، دومیسین ۸۱-۹۶)

(Hadrianus)Hadrian (۷)

هادریانوس به سال ۱۱۷ به مقام امپراتوری رسید. او فردی بشر دوست و فیلسوف و شاعر و ادیب و صلح دوست بود

(Publius Cornelius Tacitus) Tacite (۸)

تاریخ نویس رمی ۵۵-۱۲۰ میلادی

Claude (۹)

امپراتور رم به سال ۴۱-۵۴ میلادی

Vitellius (۱۰)

امپراتور رم ۲ جنوری ۶۹ تا ۲۲ دسمبر ۶۹ مجموعاً ۸ ماه فرمانروائی کرد

Hénoch (۱۱)

هنوش پدر پدر بزرگ نوح و کتاب هنوش بخشی از تورات است که توسط کلیسای اتیوپی ارتدکس باز شناسی شده. ولی یهودیان و برخی از کلیساها آن را به رسمیت نمی شناسند و رسماً در سال ۳۶۴ از کتاب عهد قدیم حذف کرده اند.

Esdras (۱۲)

کشیش یهودی که به سال ۴۵۹ پیش از میلاد ۵۰۰۰ آواره یهودیه را از بابل به اورشلیم هدایت کرد، و جامعه یهودی را بر اساس تورات و تکیه بر قوانین متشکل ساخت.

d'Antiochus Épiphane (۱۳)

آنتیوخوس پادشاه سلوکی ۲۱۵-۱۶۴ پیش از میلاد. سلوکیان سلسله ای بودند که بر فتوحات الکساندر در آسیا حکومت می کردند.

ازمیر Smyrne (۱۴)

ازمیر، بندر و شهر قدیمی در ترکیه و در سواحل دریای اژه واقع گردیده و در سه هزار سال پیش از میلاد مسیح بنیانگذاری شده است.

Philadelphie (۱۵)

یکی از شهرهای قدیمی لیدیه در غرب آسیای صغیر

Pergame (۱۶)

در شمال باختری آناتولی و یکی از شهرهای یونان باستان بود

Balaam (۱۷)

یکی از پیغمبران دروغین
به عربی : بلعم بن باعوراء

Nicolaïte (۱۸)

این اصطلاح دو بار در شهودات یوحنا (کتاب آخر زمان – آپوکالیپس) تکرار شده است. نخستین بار در آیت های فصل ۲ آیت ۶ خطاب به کلیسای افسس (شهر یونانی در آسیای صغیر) : « همانطور که من از نیکلائیت ها تنفر دارم، تو نیز از این گروه رویگردان شو». دومین بار در نامه به کلیسای پرگامون مطرح می شود، در فصل ۲ آیت های ۱۴-۱۵: « ولی من با تو مخالف هستم زیرا تو با افرادی هستی که از دکنترین بالام پیروی می کنند که در بالک موعظه می کند و سنگ پیش پای فرزندان اسرائیل می اندازد و آنها را به خوردن گوشت قربانی شده برای بت ها و ارتکاب به زنا تشویق می کند. به همین ترتیب خود تو نیز با افرادی هستی که از دکنترین نیکلائیت ها پیروی می کنند. به خودت بیا، در غیر این صورت من با شمشیر زبانه با تو مبارزه خواهم کرد.» چنین که مشاهده می کنیم، خط مشی نیکلائیت ها قوانین شورای کلیسائی را نقض می کرده و خوردن گوشت قربانی، خون و زنا را ممنوع نمی دانسته است. احتمالاً به شیطان اعتقاد داشتند و او را می پرستیدند و از همین رو لحن پرخاشگری های یوحنا قابل درک می گردد.

Jézabel (۱۹)

جزابیل (و شاید ریشه نام ایزابل باشد) در انجیل عهد قدیم در کتاب پادشاهان، نام ملکه اسرائیلی بوده. در انجیل عهد جدید نام یک پیغمبر مؤنث دروغین در آسیای صغیر است

۲۰) در انجیل به زبان فارسی می گوید : «۱۲۴۰۰۰ نفر... زیرا خود را به گناهان این دنیا آلوده نکرده اند، بلکه مثل باکره هستند...»

ادامه دارد